

بقلم شیوای : آقای قویم الدولہ

مہستی نیشابوری

در شماره ششم سال گذشته گفتیم کہ سلطان مغیث الدین ابوالقاسم محمود سلجوقی باحشمت وشوکت و ابہتی شایان از دار الملک اسپہان رھسپار دارالخلافۃ بغداد شد .

چون موکب ہمایون از جبال « زاگرس » گذشت وبدشت پہنور عراق عرب سرازیر شدند ، مہستی دید کہ چہاں ہمہ نرگس وبنفشہ وریاحین گونه گونه وخضراے است ، بملکہ گفت : بین النہرین در سبزی و خرمی ووفور اقسام زراعت بی نظیر و دنیائی جداگانہ است !

دشت حاصلخیز عراق درین فصل از شگفت کاریہای ابر آذری وریش رگیارہای زمستانی رشک روضۃ رضوان بود . طرف جویبارہا گل ولالہ وبرتپہہا وتلال شقائق بسیار رستہ ، ولی در راہ از بارانہای پیوستہ بمردم وستور رنج میرسید

سلطان کہ در سرشت خوشگذران ورامش دوست بود ، دو شبانروز بر کران رود «دیالی» کہ ناحیتی بغایت زیبا و نزه است ، نخلستانہای انبوه ودرختہای نارنج وترنج ولیمو وپرتغال دارد ، نشاط شراب کرد باندیمان وخاصگان .

سراپردہ را ببر بالائی زدہ ، شاخہای پر بار از نارنجستان باز کردہ آورده گرد بر گرد بارگاہ زدہ مجلسی چون فردوس آراستہ بودند . ابر گوہر ریزی وباد مشک بیزی میکرد ، ہوا رطوبت ملایمی داشت .

یک سوی دشت زنو رستہ بنفشہ است کبود

سوی دیگرش سپیدہ است زنشکفتہ سمن

خادمان بادۃ ارغوانی ونقل ونبید آوردند ، مغنیان وخنیاگران دست بکار شدند.

ہمہ دشت از آوای رود و سرود روان را ہمی داد گویی درود

کشور عراق در روزگار باستان یکی از استانهای ایران بود، شاهنشاهان ساسانی زمستان را در کاخهای زیبا و بستانسراهای دلگشایی که در ساحل دجله داشتند میگذرانیدند. آوازه عظمت و شکوه دربار درخشان «تیسفون» بگوش جهانیان رسیده بود. در مسالك الممالک آمده است که عراق رادل ایران شهر می گفته اند (۱)

عراق را بواسطهٔ دورود پهناور دجله و فرات مابین النهرین هم می نامند. ابن الا عربی در وجه تسمیهٔ این کشور گفته است: انما سمی العراق عراقاً لانه سفلى من النجد ودنا من البحر وفيه سباخ وشجر، يقال استعقرت ابلکم اذا أتت بذلك الموضع.

آبادی و حاصلخیزی این کشور از دجله و فرات. این دورود بزرگ از کوههای بلند ارمناشان جاری و از دو جهت مخالف روان می شوند (دجله بسوی شرق و فرات بسوی غرب) سر انجام بهم نزدیک شده پس از آنکه دشت پهناوری را مشروب کردند،

(۱) خلافت عباسی بشمشیر ایرانیان بویژه دلیران خراسان تأسیس شد. در عصر خلفاء صدر اول این سلسله ایرانیان نفوذ کاملی در دولت ایشان داشتند، بزرگترین مناصب (وزارت، امارت، سرداری لشکر) را دارا بودند. جاحظ می نویسد «دولة بنی عباس اعجمية خراسانية»

سلیمان بن عبدالملک هفتمین خلیفهٔ اموی می گفت «ایرانیان هزار سال فرمانروائی کردند و بما محتاج نشدند، لکن ما صد سال سلطنت کردیم و آنی از ایشان بی نیاز نبودیم!»

در روزگار دیلمیان و سلجوقیان عراق زیر سلطهٔ ایران بود، از سالار گرفته تا بقال همه پارسی یا پارسی زبان بودند. خلفاء نامی از خلافت پیش نداشتند.

معز الدوله (احمد بن بویه) المستکفی بالله را گرفته چشمانش را میل کشید و المطیع لله را بخلافت نشانید. و در دست خلیفه نماند مگر آنچه را معز الدوله بر رسم اقطاع برای معاش او مقرر داشته بود.

بهاء الدوله پسر معز الدوله دیلمی الطائع لله را خلع و حبس کرد و القادر بالله را بخلافت برداشت. مؤرخین عرب نوشته اند «واصبح هذا الخلیفه الجدید العوبه فی یدیه». نفوذ روز افزون پارسی در دولت عباسی تمام مظاهر حیات را شامل بود.

درمیان باطلاقها بیکدیگر می پیوندند ، و نظر بسرزمینی که در آن سیر میکنند هر يك وضع خاصی دارند .

دجله را ایرانیان «اروند» می نامیدند و فرات را «فلا» .

خط جریان دجله بطول فرات نیست ، لکن از آن عمیقتر و پر آب تر است فاصله میان دجله و فرات بیش از چند فرسنگ نیست ، زمین تنگنای خشکی که محصورمیان دورود خانه میباشد و در آنجا جریان دجله و فرات متوازی بیکدیگر است اعراب «جزیره» می نامند . این دشت کوه و نااهمواری ندارد .

دجله در کوهسار از سه شکاف بیرون میاید ، در آغاز سیلابی است کف کرده که از تنگهای کوه می جوشد ، رفته رفته رودی میشود بپهنای ۱۰۰ متر که مانند تیری از پای کوهها میگردد و در دشتی پهناور مائل بجنوب سر در می آورد و در آن ناحیه رودهایی که از جبال بلند سرازیر گشته بدان میریزد . باین واسطه تند و سریع گشته و در جاهائی پهنایش بدویست متر میرسد ، چنانکه در «موصل» زورقهای بزرگ و کشتیهای بخاری در آن آمد و شد میکند .

دجله از کوهسار که بیرون می آید ضخامت کوهی میان آن و فرات حائل است و چون دجله بسوی جنوب شرقی میل میکند بدشت پست و مسطحی میرسد که فرات هم در همان دشت جاریست .

این رود نزدیک چهل کیلومتر در آن سرزمین بموازات فرات جریان دارد ، و پس از طی ۵۰۰ کیلومتر درمیان باطلاق بهم می پیوندند .

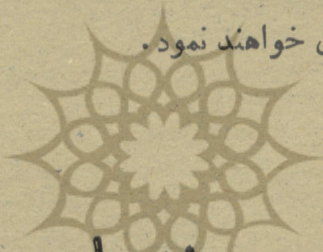
فرات در آغاز سیالات تندیست که بطرف جنوب غربی جریان دارد ، از آبشاری بآبشاری میجهد ، و چون خود را در تنگنای عمیقی میان کوهپارهها رو بجنوب کشید چندان سریع میشود که زورق میتوان در آن راند .

مشترکان محترم شهرستانها

توجه فرمایند

برای کلیه مشترکان ارجمند شهرستانها قبوض اشتراك دوره بیست و هشتم
ارمغان ارسال گردید .

با ارسال وجوه اشتراك دوره مذکور که از وظایف اولیه خوانندگان این نامه
ادب است بوسیله برات پستی یاپاکت بیمه ویا بانك ملی ما را در ادامه این خدمت
بزرگ ادبی کمک و باری خواهند نمود .



سخن ربایی

دامنه مقالات (سخن ربایی) بعلمت مسافرت نویسنده دانشمند آن آقای سعید نفیسی
بخارج کشور از این شماره متوقف و ادامه آن موکول بمراجعت معظم له میگردد.